





روزنامه عید سعید فطر



عید فطر در آیات و روایات اهل بیت علیهم السلام عید چیست؟

عید در لغت از ماده ی عود، به معنی بازگشت است و لذا به روزهایی که مشکلات از قوم و جمعیتی برطرف می شود و بازگشت به پیروزیها و راحتی های نخستین می کند، عید گفته می شود و در اعیاد اسلامی به مناسبت اینکه در پرتو اطاعت یک ماه مبارک رمضان و یا انجام فریضه ی حج، صفا و پاکی فطری نخستین به روح و جان بازی می گردد و آلودگی ها که برخلاف فطرت است، از میان می رود، عید گفته شده است. (تفسیر نمونه، ج ۵، ص ۱۳۱). بسیاری از آیات قرآن بر اجتماعی بودن شئون اسلامی دلالت می کند و صفت اجتماعی بودن در تمامی احکام و نوامیس اسلامی حاکم است. شارع مقدس اسلام در مسئله ی جهاد، اجتماعی بودن را به طور مستقیم تشریح کرده و دستور داده، حضور در جهاد و دفاع، به آن مقداری که دشمن دفع شود واجب است.

روزه و حج، بر هر کسی که مستطیع و قادر به انجام آن دو باشد و عذری نداشته باشد، واجب است. اجتماعیت، در این دو واجب، به طور مستقیم نیست. بلکه لازمه ی آن دو است؛ چون وقتی روزه دار روزه گرفت، قهراً در طول رمضان در مساجد رفت و آمد خواهد کرد و در آخر در روز عید فطر، این اجتماع به حد کامل می رسد و نیز وقتی مکلف به زیارت خانه خدا گردید قهراً با سایر مسلمانان یک جا جمع می شود و در روز عید قربان این اجتماع به حد کامل می رسد و نیز نمازهای پنجگانه یومیه را بر هر مکلفی واجب کرده و جماعت را در آن واجب نساخته، ولی این رخصت را در روز جمعه تدارک و تلافی کرده و اجتماع برای نماز جمعه را بر همه واجب ساخته است.

عید فطر در قرآن

با مراجعه به قرآن شریف آیاتی را می توان یافت که به طور مستقیم و با کمی دقت بر عید فطر و آداب آن توجه دارند و نشان می دهند که این مسئله از دید قرآن پنهان نمانده است. آن آیات عبارتند از:

۱- آیه ی ۱۸۵ سوره ی مبارکه ی بقره:

در این آیه، خداوند متعال ضمن معرفی ماه مبارک رمضان و نزول قرآن، در آن به برخی از احکام مربوط به این ماه شریف اشاره کرده و می فرماید: هر یک از شما که هلال ماه رمضان را مشاهده کرد، باید روزه بگیرد و کسی که در حال سفر و یا مریض بود و ماه رمضان را درک کرد، در روزهای دیگر، باید روزه ی فوت شده را جبران کند. در ادامه می فرماید: خداوند این احکام را به خاطر راحتی شما و نه به خاطر به سختی اقتادنتان تشریح نموده است و اینکه عده را تکمیل کنید و خدا را به خاطر هدایت، بزرگ بدارید. «بیردالله بکم ایسر ولایرید بکم العسر ولتکملوا العده ولتکبروا لله علی ما هدیکم ولعلکم تشکرون».

ولتکملوا... عطف به بیرد و مبین، علت غائی است. خداوند در تشریح احکام، برای شما آسانی خواسته نه سختگیری تا روزه ی ایام معدود را به هر صورتی که بتوانید چه در ماه رمضان یا غیر آن به کمال رسانید. ممکن است ولتکملوا، عطف به فعل مقدر یا فلیصمه، باشد تا از این امر «فلیصمه» (و هر امری) آنچه آسانست و بتوانید، انجام دهید و آن را تکمیل نمایید. چون امر ولتکملوا بعد از امر به روزه ی ماه رمضان است کمال ظاهری آن معنای اتمام می باشد و کمال معنوی آن، انجام با شرایط و آداب آن است تا با گذشت ایام اراده ی ایمانی، حاکم بر انگیزه ها و شهوات گردد و انسان را برتر آرد و اراده ی خدا ذهن را فراگیرد و یاد عظمت او، زنده و فعال گردد. یادی که بر طریق هدایت استوار شود؛ ولتکبروا لله علی ما هداک و در پرتو آن، نعمت ها مشخص و شکرگزاری شود.

در روایات، منظور از تکبیر در جمله: و لتکبروا لله علی ما هدیکم، تعظیم و منظور از هدایت، ولایت است.

اینکه هدایت به معنای ولایت باشد از باب تطبیق کلی بر مصداق است و ممکن است از قبیل همان قسم بیاناتی باشد که نامش را تاویل گذاشته اند. چنانکه در بعضی از روایات آمده و در معنای دو کلمه ی ایسر و عسر فرموده اند: ایسر، ولایت و عسر، مخالفت با خدا و دوستی با دشمنان خداست.

پس معنای آیه، این است که خداوند را بزرگ بداری و اجلالش کنی، بخاطر آن هدایت و راهنمایی که برای شما در دینتان بیان کرد و بخاطر آنکه به شما توفیق داد تا ماه رمضان را روزه بدارید. این ماه مختص شما امت مسلمان می باشد و امم دیگر از آن بی بهره اند.

بیشتر دانشمندان گفته اند که مقصود از ولتکبروا لله، تکبیرهایی است که در شب عید فطر وارد شده است که این تکبیرها بعد از چهار نماز مغرب و عشاء و صبح روز عید و نماز عید فطر گفته می شود. در عید فطر این گونه می گویند «الله اکبر الله اکبر لاله الا الله و الله اکبر، الله اکبر والله الحمد، الحمد علی ما هداک و له الشکر علی ما اولانا» (تفسیر ابوالفتوح رازی، ج ۲، ص ۱۸).

توضیح: برخی برای روز عید این تکبیرها را بعد از نماز ظهر و عصر روز عید نیز ذکر کرده اند. حضرت امام خمینی و آیت الله هاراک، جزء این دسته از فقها می باشند. مستند این حکم، روایتی است از قول امام صادق (علیه السلام) که فرمود: در عید فطر هم تکبیر هست. عرضه داشتیم، تکبیر که غیر از روز قربان نیست. فرمود: چرا در عید فطر هم هست، لیکن مستحب است که در مغرب و عشاء و فجر و ظهر و عصر و دو رکعت نماز عید گفته شود. (مستدرک الوسائل، جلد ۶، صفحه ۱۳۷، ح ۶۶۳۹).

همچنین سعید نقاش از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که فرمود: برای من در شب عید فطر تکبیر هست، اما واجب نیست، بلکه مستحب است. می گوید، پرسیدم این تکبیر در چه وقت مستحب است؟ فرمود: در شب عید، در مغرب و عشاء و در نماز صبح و نماز عید، آنگاه قطع می شود. عرضه داشتیم: چگونه تکبیر بگویم؟ فرمود: می گوئی الله اکبر، الله اکبر، لاله الا الله و الله اکبر، الله اکبر و لله الحمد، الله اکبر علی ما هداک و منظور از کلام خدا که می فرماید: ولتکملوا العده همین است. چون معنایش این است که نماز را کامل کنید و خدا را در برابر اینکه هدایتتان کرده تکبیر کنید (وسایل الشیعه، ج ۷، ص ۴۵۵، الکافی، کلینی، ج ۴، ص ۱۶۶). و تکبیر همین است که بگوئید: الله اکبر، لاله الا الله و الله اکبر، و لله الحمد. راوی می گوید، در روایت دیگری آمده که تکبیر آخر را چهار بار باید گفت.

مرحوم علامه طباطبایی ضمن بیان دو روایت یاد شده در حل تعارض بین آن دو می نویسد: اختلاف این دو روایت که یکی تکبیر را در ظهر و عصر نیز مستحب می داند و دیگری نمی داند، ممکن است حمل شود بر مراتب استحباب. یعنی دومی مستحب باشد و اولی مستحب تر و اینکه فرمود: منظور از (ولتکملوا العده) اکمال نماز است. شاید منظور این باشد، با خواندن نماز عید، عدد روزه را تکمیل کنید و باز خود تکبیرات را بگوئید. که خدا شما را هدایت کرد، و این با معنایی که ما از ظاهر جمله ی ولتکبروا لله علی ما هدیکم... فهمیدیم منافات ندارد. برای اینکه کلام امام، استفاده ی حکم استحبابی از مورد وجوب است. (المیزان، علامه طباطبایی، ج ۲، ص ۲۸).

شافعی معتقد است که باید الله اکبر را سه بار گفت و از زمانی که ماه دیده می شود و تا زمانی که امام به نماز می ایستد، این تکبیرها تکرار شود. وقتی امام بیرون آمد، همراه تکبیر او باید تکبیر گفت. در حالی که در عید قربان باید همین تکبیرها را پشت سر ده نماز خواند که اولین آنها نماز ظهر روز عید قربان تا ده نماز بعد از آن می باشد. کسانی که در شهرها هستند پشت سر ده نماز، این تکبیرها را می گویند و کسانی که در منی می باشند، پشت سر ۱۵ نماز که اول آنها نماز ظهر عید قربان است، این تکبیرها را تکرار می کنند. (تفسیر ابوالفتوح رازی، ج ۲، ص ۶۸).

۲- آیات ۱۴ و ۱۵ سوره ی مبارکه ی اعلی:

در آیات مورد بحث به نجات اهل ایمان و عوامل این نجات اشاره می کند. نخست می فرماید: مسلماً رستگار می شود کسی که خود را تزکیه کند (قد افلح من تزکی) و نام پروردگارش را به یاد آورد و به دنبال آن نماز بخواند (و ذکر اسم ربه فصلی).

به این ترتیب، عامل فلاح و رستگاری و پیروزی و نجات را سه چیز می شمرد: تزکیه و ذکر نام خداوند و سپس بجا آوردن نماز. در اینکه منظور از تزکیه چیست، تفسیرهای گوناگونی ذکر کرده اند: نخست اینکه منظور، پاکسازی روح از شرک است، به قرینه ی آیات قبل و نیز به قرینه ی این که مهمترین پاکسازی، همان پاکسازی از شرک است. دیگر اینکه منظور، پاکسازی دل از رذائل اخلاقی و انجام اعمال صالح است، به قرینه ی آیات فلاح در قرآن مجید، از جمله آیات آغاز سوره ی مؤمنون که فلاح را در گرو اعمال صالح می شمرد. و به قرینه ی آیه ۹ سوره شمس که بعد از ذکر مسئله ی تقوی و فجور می فرماید: قد افلح من زکیها؛ رستگار شد کسی که نفس خود را از فجور و اعمال زشت پاک کرد و به زینت تقوی بیاراست.

دیگر اینکه منظور، زکات فطره در روز عید فطر است که نخست باید زکات را پرداخت و بعد نماز عید را بجا آورد.

قابل توجه این که: در آیات فوق نخست، سخن از تزکیه و بعد ذکر پروردگار و سپس نماز است.

به گفته ی بعضی از مفسران، مراحل عملی مکلف، سه مرحله است: نخست ازاله ی عقائد فاسده از قلب. سپس حضور معرفه الله و صفات و اسماء او در دل و سوم اشتغال به خدمت. آیات فوق در سه جمله ی کوتاه، اشاره به این سه مرحله کرده است.

این نکته نیز قابل توجه است که نماز را فرع بر ذکر پروردگار می شمرد. این به خاطر آن است که، تا به یاد او نیفتد و نور ایمان در دل او پرتوافکن نشود، به نماز نمی ایستد. به علاوه، نمازی ارزشمند است که توأم با ذکر او و ناشی از یاد او باشد و این که بعضی، ذکر پروردگار را تنها به معنی الله اکبر یا بسم الله الرحمن الرحیم که در آغاز نماز گفته می شود تفسیر کرده اند که در حقیقت بیان مصداق هایی از آن است.



عید سعید فطر



همان طور که می دانیم، وظیفه ی پیغمبر تزکیه است. دل‌های مستعد و حق طلب و حقیقت خواه آیات را می شنوند، متأثر می شوند، می پذیرند و می گروند و دل هایشان از نجاست شرک، با آب توحید، پاک و پاکیزه می شود.

و ذکر اسم ربه فصلی (اسامی پروردگار همگی اوصاف ذات مقدسش هستند) ذکر ممکن است به زبان باشد، مثل معنی رحمن و رحیم و آثار رحمت واسعه ی خداوند در همه ی کائنات و در وجود خودمان بیندیشیم. توجه به معانی رحمت و علو و عظمت خالق و رازق بودن قادر متعال، قهراً و قطعاً، خضوع و خشوع می آورد. برجسته ترین نمونه ی اظهار خشوع، نماز است. ببینید چگونه در سه کلمه، جمیع مراحل را جمع فرموده است:

۱- پاک شدن از شرک و اخلاق رذیله به توحید و ایمان و باور داشتن اصول عقاید (تزکی)
۲- در آثار قدرت و حکمت پروردگار و نعمتهای مادی و معنوی و جسمی و روحی اندیشیدن. زیرا که هر ساعتی از این تفکر، بهتر از هفتاد سال عبادت است. علاوه بر این ذکر قلبی، با زبان نیز کلمه شهادت گفتن (و ذکر اسم ربه).

۳- اظهار شکستگی و فروتنی و کوچکی در پیشگاه پروردگار نمودن و به عبادت و پرستش پرداختن (فصلی).

هرکس این سه مرحله را پیمود به سر منزل فلاح و رستگاری می رسد و این است معنی «قد افلح من تزکی».

عده ای بر اساس روایات رسیده معتقدند که منظور از «تزکی» دادن زکات فطره و خواندن نماز عید است. (بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۹۳، ص ۱۰۴، ح ۰۳). بعضی نیز تزکیه را در اینجا، به معنی دادن صدقه ی مالی دانسته اند. مهم این است که تزکیه، معنی وسیعی دارد که همه ی این مفاهیم را در بر می گیرد. هم پاکسازی روح از آلودگی شرک و هم پاکسازی از اخلاق رذیله و هم پاکسازی عمل از محرمات و هرگونه ریا و هم پاکسازی مال و جان به وسیله ی دادن زکات در راه خدا. زیرا طبق آیه ی اخذ من اموالهم صدقه تطهرهم و تزکیهم بها (از اموال آنها صدقه ای (زکات) بگیر تا آنها را به وسیله ی آن پاکسازی و تزکیه کنی)، دادن زکات سبب پاکی روح و جان است. بنابراین، تمام تفسیرها ممکن است در معنی گسترده ی آیه جمع باشد.

چند روایت که در ذیل این روایت آمده است را مرور می کنیم: عبدالله بن مسعود گفته است که مقصود از آیه ی «ذکر اسم ربه فصلی» آن است که انسان زکات مال خود را بدهد و نماز را اقامه کند و بر این اساس مرتباً می گفت: «رحم الله امراء تصدق ثم صلی» یعنی خدا بپارمرد کسی را که صدقه بدهد و نماز بخواند. سپس آیه ی یاد شده را تلاوت کرد. عده ای دیگر گفته اند، منظور از صدقه، همان زکات فطره است که در اول ماه شوال پرداخت می شود و تکبیرهای روز عید و نماز عید فطر را نیز شامل می شود. حضرت به عبدالله بن عمر نافع می گفت: آیا صدقه داده ای؟ اگر پاسخ می داد بله، صدقه داده ام، به وی می گفت: پس بیا به مصلی برویم و نماز بخوانیم و اگر پاسخ می داد: صدقه نداده ام، به او می گفت: صدقه بده تا به مصلی برویم و نماز بخوانیم. سپس آیه ی یاد شده را تلاوت می کرد.

ابو خالد گفت: نزد ابوالعالیه رفتیم، به من گفت، روز عید، قبل از آن که برای نماز بروی، به اینجا می آیی؟ پاسخ دادم: بله. وقتی روز عید فرا رسید، به نزد وی رفتیم. از من پرسید: آیا افطار کرده ای؟ پاسخ دادم: بله. پرسید: آیا غسل کرده ای؟ گفتم: بله. گفت: آیا صدقه داده ای؟ گفتم: بله. گفت: تو را به این خاطر به اینجا فراخوانده ام که در ابتدا این اعمال را انجام دهی و پس از آن به مصلی بروی. آنگاه این آیه را خواند و گفت، مردم مدینه هیچ صدقه ای را برتر از آن ندیدند که کسی به کس دیگر آب دهد. (تفسیر ابوالفتوح رازی، ج ۱۲، ص ۶۲).

شخصی از امام صادق علیه السلام پرسید معنای آیه ی قد افلح من تزکی چیست؟ فرمود: این است که هرکس زکات فطره بدهد، رستگار می شود. پرسید معنای آیه ی «و ذکر اسم ربه فصلی» چیست؟ فرمود این است که (برای نماز عید) به سوی جبانه بروی و نماز بخواند و منظور از جبانه، صحرا است. (من لایحضره الفقیه، شیخ صدوق، ج ۱، ص ۵۰، ح ۱۴۷۴).

رسول خدا صلی الله علیه و آله همواره در روزهای عید فطر، قبل از رفتن به مصلی، فطره را تقسیم می کرد و این آیه را می خواند: «قد افلح من تزکی و ذکر اسم ربه فصلی» (تفسیر المیزان، ج ۲۰، ص ۲۷۱).

عید فطر در کلام ائمه معصوم علیهم السلام رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «آنگاه که شب عید فطر فرامی رسد که آن را شب پاداش می گویند خداوند اجر روزهداران را بی حساب می دهد». (بحار الانوار، ج ۹۳، ص ۳۳۷). امام علی علیه السلام فرمودند: «این عید کسی است که خدا روزهاش را پذیرفته و نماز وی را سپاس گفته و هر روز که خدا را در آن نافرمانی نکنید، روز عید است». (نهج البلاغه، کلمات قصار، ش ۴۲۸).

امام علی علیه السلام در خطبه عید فطر فرمود: ای مردم! امروز روزی است که نیکوکاران در

آن پاداش می گیرند و زبان کاران و بدکاران ناامید می گردند و این شباهتی بسیار به روز قیامت دارد. پس با بیرون آمدن از خانه ها و رهسپاری به سوی نمازگاه عید، خارج شدن از گور و کوچیدن به سوی پروردگار را به یاد آورید و با ایستادن در جایگاه نماز، ایستادن در برابر پروردگار خویش را یاد کنید و با بازگشت به خانه های خود، بازگشت به سوی خانه هایتان در بهشت برین را یاد آور شوید. ای بندگان خدا! کمترین چیزی که به زنان و مردان روزه دار داده می شود، این است که فرشته ای در آخرین روز ماه رمضان، خطاب به آنان ندا می دهد و می گوید: «هان! مژده باد شما را که گناهان گذشته تان آمرزیده شد، پس در اندیشه آینده خود باشید که چگونه باقی عمرتان خواهد گذشت». (میزان الحکمة، ج ۷، صص ۱۳۱ و ۱۳۲).

باز در جایی دیگر از این خطبه می فرماید: «امروز روزی است که خداوند آن را عید قرار داده و شما را اهل آن داشته؛ خدا را به یاد آورید و دعا کنید تا پاسخ گوید. فطره خود را بپردازید که سنت پیغمبر شما و تکلیفی لازم از طرف پروردگار شماست». (شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان).

امام حسین علیه السلام فرمودند: «زکات فطره، بر هر شهرنشین و بیابان نشین واجب است». (علی مؤیدی، فرهنگ جامع سخنان امام حسین علیه السلام، ص ۷۶۴).

امام سجاد علیه السلام فرمودند: بارخدا! بر محمد و خاندان او درود فرست و به ما به جای ماه رفته رمضان، خیر و احسان ارزانی دار و عید فطر ما را خجسته گردان و آن را بهترین روزی کن که در جلب گذشت تو، بر ما گذشته و گناه ما را از میان برده است و گناهان ما را چه پنهان و چه آشکار بپامرز.

بارخدا! در روز فطر که آن را برای مؤمنان، عید و شادی و برای اهل دین خویش، محل تجمع و همایش قرار داده ای، ما را به سوی خود بازگردان و از هر گناهی که مرتکب شده ایم و هر بدی که بر جای نهاده ایم یا اندیشه ناپسندی که پنهان داشته ایم، ما را توبه ده. (صحیفه سجاده، نیایش ۴۵).

امام رضا علیه السلام فرمودند: «تکبیر، بزرگداشت خداوند بلندمرتبه و نوعی سپاسگزاری از هدایت ها و نعمت های پروردگار جهانیان است». (عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۱۲۲).

عید سعید فطر، عید بندگی و روز پاداش

روز اول ماه شوال را بدین سبب عید فطر خوانده اند که در این روز، امر اساک و صوم از خوردن و آشامیدن برداشته شده و رخصت داده شد که مؤمنان در روز افطار کنند و روزه خود را بشکنند فطر و فطوره به معنای خوردن و آشامیدن، ابتدای خوردن و آشامیدن است و نیز گفته شده است که به معنای آغاز خوردن و آشامیدن است پس از مدتی از نخوردن و نیاشامیدن. ابتدای خوردن و آشامیدن را افطار می نامند و از این رو است که پس از اتمام روز و هنگامی که مغرب شرعی در روزهای ماه رمضان، شروع می شود انسان افطار می کند یعنی اجازه خوردن پس از اساک از خوردن به او داده می شود. عید فطر دارای اعمال و عباداتی است که در روایات معصومین علیهم السلام به آنها پرداخته شده و ادعیه خاصی نیز آمده است.

ماه مبارک رمضان که در روایات از آن به عنوان «ماه صبر و احسان» (قمی مشهدی، محمد بن محمد رضا، تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، تحقیق: حسین درگاهی، چاپ اول، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸ ش، ج ۲، ص ۲۳۹) یاد شده است ماه تمرین بندگی و عبد مطلق خداوند بودن است. ماهی است که در آن انسان تنها برای رضای خداوند و امتثال فرمان وی لب از طعام می بندد و با کنترل نفس اماره و هوا و هوس خویش خود را بیش از پیش به خداوند منان نزدیک می نماید. روزه با ایجاد محدودیتهای موقت برای روح و جان انسان به وی مقاومت قدرت اراده و توان مبارزه با حوادث سخت می بخشد، و چون غرائز سرکش را کنترل می کند بر قلب انسان نور و صفا می پاشد و خلاصه آنکه روزه انسان را از عالم حیوانیت ترقی داده و به جهان فرشتگان صعود می دهد. (مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، چاپ اول، تهران، دار الکتب الإسلامیه، ۱۳۷۴ ش، ج ۱، ص ۶۲۹).

تقوی و خداترسی، در ظاهر و باطن، مهم ترین اثر روزه است. روزه، یگانه عبادت مخفی است؛ زیرا اعمالی همچون نماز، حج، جهاد، زکات و خمس را مردم می بینند، اما روزه دیدنی نیست. روزه، اراده انسان را تقویت می کند و باعث تقویت عاطفه می شود؛ زیرا کسی که يك ماه مزه گرسنگی را چشید، درد آشنا می شود و رنج گرسنگان را احساس و درک می کند. (قرائتی، محسن، تفسیر نور، تهران، مرکز فرهنگی درسهای از قرآن، ۱۳۸۳ ش، ج ۱، ص ۲۸۳) بنابراین می توان چنین بیان داشت که روزه عامل مؤثری برای پرورش روح تقوا و پرهیزکاری در تمام زمینه ها و همه ابعاد است. (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۶۲۴).

تقوا و پرهیزکاری که فرد باید در طی ماه های دیگر در پرهیز از گناهان بدان پناه برد. اولین روز از ماه شوال عید سعید فطر است که به آن «روز رحمت» نیز گفته اند؛ زیرا در آن روز خداوند متعال بر بندگان خویش رحم نموده و آنان را مورد توجه و عنایات ویژه



ویرانه‌نامه عید سعید فطر



خویش قرار می دهد. (الکفعمی، ابراهیم بن علی عاملی، المصباح، یک جلد، انتشارات رضی قم، ۱۴۰۵ق، ص ۵۱۴) و برای این روز در کتب ادعیه اعمالی بیان گردیده است. از جمله: غسل (که نشان از پاکی از گناهان و توجه به خداوند در طلب حوائج است)، پوشیدن لباسی زیبا، معطر بودن، برپایی دو رکعت نماز (آن هم در زمینی غیر مسقف) و خواندن ادعیه وارده و... (شیخ مفید، مسار الشیعة، قم، انتشارات کنگره جهانی شیخ مفید قم، ۱۴۱۳ق، صص ۳۰ و ۳۱)

امام باقر علیه السلام در خصوص این روز می فرماید: « هنگامی که هلال ماه شوال طلوع می کند مومنان ندا داده می شوند که به سوی پاداش و جوایز [در نظر گرفته شده برایتان] روان شوید زیرا امروز روز جایزه است. امام (علیه السلام) در ادامه فرمودند: سوگند به آن کس که جانم در دست اوست این پاداش ها و جوایز از جنس دینار و درهم نیستند» حلول ماه شوال و فرارسیدن عید سعید فطر سرور و شادی برای مومنان پس از یک ماه طاعت بندگی و عبادات خالصانه به ارمغان می آورد؛ شادی مومنان در این روز به دلیل قبولی اعمال تکفیر سیئات و آمرزش گناهان آنان است؛ و بشارت این روز برای آنان از سوی خداوند متعال به دلیل تلاش و مجاهدت آنان در راه تقرب به درگاه الهی است. (شیخ مفید، مسار الشیعة، صص ۳۰ و ۳۱)

برخی چنین می پندارند که ترک معصیت الهی و انجام اعمال عبادی ویژه خاص این ماه است؛ لذا با حلول هلال ماه شوال و اعلام عید تمام آنچه را که در این ماه اندوخته اند (و لو خیلی اندک باشد) را از کف داده و زندگی آنان دوباره همان مسیر قبلی خویش را از سر می گیرد؛ شادی چنین افرادی در روز عید سعید فطر شادی به پایان رسیدن این ماه با تمام برکات آن است؛ و این در حالی است که مؤمنان راستین بارگاه الهی با اعمال و رفتار خود در این ماه و تسزای آن به سایر ماه ها توشه ای عظیم برای خویش فراهم نموده و روز عید سعید فطر برای آنان عید بندگی و کسب رضای الهی است؛

چنانکه امام باقر (علیه السلام) در خصوص این روز می فرماید: « هنگامی که هلال ماه شوال طلوع می کند مومنان ندا داده می شوند که به سوی پاداش و جوایز [در نظر گرفته شده برایتان] روان شوید زیرا امروز روز جایزه است. امام (علیه السلام) در ادامه فرمودند: سوگند به آن کس که جانم در دست اوست این پاداش ها و جوایز از جنس دینار و درهم نیستند. (الکلبینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی، تصحیح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، چاپ چهارم، تهران، دارالکتب الإسلامية، ۵۱۴۰۷، ج ۴، صص ۶۸ و ۶۷، ج ۶) از این روایت چنین به نظر می رسد که روز عید سعید فطر روزی است که مومنان به تناسب آنچه در این ماه برای خویش اندوخته اند از مواهب و عنایات دنیوی و اخروی خداوند بهره مند خواهند شد که آثار و برکات این لطف و احسان الهی برای مومن ملموس و محسوس است لذا همانند کودکی که از دریافت جایزه و پاداش شادمان و مسرور می شود مومن نیز از دریافت چنین نعمی شادمان خواهد بود؛ هر چند که در اعماق وجود او به سبب اتمام چنین میهمانی احساس دلتنگی و تألم نیز وجود دارد. امیرالمؤمنین علی علیه السلام دریکی از اعیاد فطر خطبه ای خوانده اند و در آن مؤمنان را بشارت و مبطلان را بیم داده اند.

«خطبة امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام یوم الفطر فقال: ایها الناس! ان یومکم هذا یوم یتاب فیہ المحسنون و یخسر فیہ المبتلون و هو اشیبه یوم قیامکم، فاذکروا بخروجکم من منازلکم الی مصلاکم خروجکم من الاجداث الی ربکم و اذکروا بوقوفکم فی مصلاکم و وقوفکم بین یدی ربکم، و اذکروا برجوعکم الی منازلکم، رجوعکم الی منازلکم فی الجنة.»

عباد الله! ان ادنی ما للصائمین والصائمات ان ینادیهم ملک فی آخر یوم من شهر رمضان، ابشروا عباد الله فقد غفر لکم ما سلف من ذنوبکم فانظروا کیف تکونون فیما تستانفون. (محمدی ری شهری، میزان الحکمة، ج ۷، صص ۱۳۱-۱۳۲)

ای مردم! این روز، روزی است که نیکوکاران در آن پاداش می گیرند و زیانکاران و تبهکاران در آن مایوس و نا امید می گردند و این شباهتی زیاد به روز قیامتتان دارد، پس با خارج شدن از منازل و رهسپار جایگاه نماز عید شدن به یاد آورید خروجتان از قبرها و رفتنتان را به سوی پروردگار، و با ایستادن در جایگاه نماز، به یاد آورید ایستادن در برابر پروردگارتان را. و با بازگشت به سوی منازل خود، متذکر شوید بازگشتتان را به سوی منازلتان در بهشت برین. ای بندگان خدا، کمترین چیزی که به زنان و مردان روزه دار داده می شود این است که فرشته ای در آخرین روز ماه رمضان به آنان ندا می دهد و می گوید:

«هان! بشارتتان باد، ای بندگان خدا که گناهان گذشته تان آمرزیده شد، پس به فکر آینده خویش باشید که چگونه بقیه ایام را بگذرانید.»

عارف وارسته ملکی تبریزی درباره عید فطر آورده است: «عید فطر روزی است که خداوند آن را از میان دیگر روزها برگزیده است و ویژه هدیه بخشیدن و جایزه دادن به بندگان خویش ساخته و آنان را اجازه داده است تا در این روز نزد حضرت او گرد آیند و

برخوان کرم او بنشینند و ادب بندگی به جای آرند، چشم امید به درگاه او دوزند و از خطاهای خویش پوزش خواهند، نیازهای خویش به نزد او آرند و آرزوهای خویش از او خواهند و نیز آنان را وعده و مژده داده است که هر نیازی به او آرند، برآورد و بیش از آنچه چشم دارند به آنان ببخشند و از مهربانی و بنده نوازی، بخشایش و کارسازی در حق آنان روا دارد که گمان نیز نمی برند.» (میرزا جواد آقا ملکی تبریزی، المراقبات فی اعمال السنه، تبریز، ص ۱۶۷)

آداب نماز عید

خداوند متعال در فرازی از آیه ی ۳۱ سوره ی اعراف می فرماید: «خذوا زینتکم عند کل مسجد...» یعنی هنگام رفتن به مسجد زینتهای خود را بردارید. این خطاب به همه ی فرزندان آدم به عنوان یک قانون همیشگی که شامل اعصار و قرون می شود که زینت خود را به هنگام رفتن به مسجد با خود داشته باشید.

این جمله می تواند هم اشاره به زینتهای جسمانی باشد که شامل پوشیدن لباس های مرتب و پاک و تمیز و شانه زدن موها و به کاربردن عطر و مانند آن می شود و هم شامل زینت های معنوی. یعنی صفات انسانی و ملکات اخلاقی و پاکی نیت و اخلاص. و اگر می بینیم در بعضی از روایات اسلامی تنها اشاره به لباس خوب یا شانه کردن موها شده و اگر می بینیم تنها سخن از مراسم نماز عید و نماز جمعه به میان آمده است، دلیل بر انحصار نیست، بلکه هدف بیان مصداقهای روشن است و همچنین اگر می بینیم که در بعضی دیگر از روایات، زینت به معنی رهبران و پیشوایان شایسته تفسیر شده، دلیل بر وسعت مفهوم آیه است که همه زینتهای ظاهری و باطنی را دربر می گیرد.

در کتاب المقنع گفته است: «سنت در افطار عید قربان این است که بعد از نماز انجام شود و در عید فطر قبل از نماز. (تفسیر المیزان، ج ۶، ص ۳۳۷)

از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: اگر در روز عید فطر برای رسول خدا صلی الله علیه و آله عطر می آوردند اول به زنان خود می داد. (من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۷۴، ح ۲۰۵۵) از سخنان معصومین علیهم السلام چنین مستفاد می شود که روز عید فطر، روز گرفتن مزد است. و لذا در این روز مستحب است که انسان بسیار دعا کند و به یاد خدا باشد و روز خود را به بطالت و تنبلی نگذراند و خیر دنیا و آخرت را بطلبد.

و در قنوت نماز عید می خوانیم:

«... استلک بحق هذا الیوم الذی جعلته للمسلمین عیدا و لمحمد صلی الله علیه و آله ذخرا و شرفا و کرامة و مزیدا ان تصلی علی محمد و آل محمد وان تدخلنی فی کل خیر ادخلت فیہ محمدا و آل محمد وان تخرجنی من کل سوء اخرجت منه محمدا و آل محمد، صلواتک علیه و علیهم اللهم انی اسالک خیر ما سئلک عبادک الصالحون و اعوذ بک مما استعاذ منه عبادک المخلصون.»

بارالها! به حق این روزی که آن را برای مسلمانان عید و برای محمد صلی الله علیه و آله ذخیره و شرافت و کرامت و فضیلت قرار دادی از تو می خواهیم که بر محمد و آل محمد درود بفرستی و مرا در هر خبری وارد کنی که محمد و آل محمد را در آن وارد کردی و از هر سوء و بدی خارج سازی که محمد و آل محمد را خارج ساختی، درود و صلوات تو بر او و آنها، خداوندا، از تو می طلبم آنچه بندگان شایسته ات از تو خواستند و به تو پناه می برم از آنچه بندگان خالصت به تو پناه بردند.

در صحیفه سجادیه نیز دعایی از امام سجاد علیه السلام به مناسبت وداع ماه مبارک رمضان و استقبال عید سعید فطر وارد شده است:

«اللهم صل علی محمد و آله و اجبر مصیبتنا بشهرنا و بارک لنا فی یوم عیدنا و فطرنا و اجعله من خیر یوم مرّ علینا، اجلبه لعفو و امحاه لذنب و اغفر لنا ما خفی من ذنوبنا و ما علن... اللهم انا نتوب الیک فی یوم فطرنا الذی جعلته للمؤمنین عیدا و سرورا و لاهل ملتک مجمعا و محتشدا، من کل ذنب اذنبناه او سوء اسلفناه او خاطر شرّ اضمرناه توبه من لا ینطوی علی رجوع الی.»

پروردگارا! بر محمد و آل محمد درود فرست و مصیبت ما را در این ماه جبران کن و روز فطر را بر ما عیدی مبارک و خجسته بگردان و آن را از بهترین روزهایی قرار ده که بر ما گذشته است که در این روز بیشتر ما را مورد عفو قرار دهی و گناهانمان را بشوئی و خداوندا بر ما بخشایی آنچه در پنهان و آشکارا گناه گردانیم...

خداوندا! در این روز عید فطرمان که برای مؤمنان روز عید و خوشحالی و برای مسلمانان روز اجتماع و گردهمائی قراردادی؛ از هر گناهی که مرتکب شده ایم و هر کار بدی که کرده ایم و هر نیت ناشایسته ای که در ضمیرمان نقش بسته است به سوی تو باز می گردیم و توبه می کنیم، توبه ای که در آن بازگشت به گناه هرگز نباشد و بازگشتی که در آن هرگز روی آوردن به معصیت نباشد. بارالها! این عید را بر تمام مؤمنان مبارک گردان و در این روز، ما را توفیق بازگشت به سویت و توبه از گناهان عطا فرما. عید رمضان آمد و ماه رمضان رفت / صد شکر که این آمد و صد حیف که آن رفت.

عيد الأعياد

اللَّهُمَّ أَهْلَ الْكِبْرِيَاءِ وَالْعَظَمَةِ
وَ أَهْلَ الْجُودِ وَالْجَبْرُوتِ وَ أَهْلَ الْعَفْوِ
وَالرَّحْمَةِ وَ أَهْلَ التَّقْوَى وَالْمَغْفِرَةِ أَسْأَلُكَ بِحَقِّ
هَذَا الْيَوْمِ الَّذِي جَعَلْتَهُ لِلْمُسْلِمِينَ عِيداً وَ
لِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ ذُخْراً وَ شَرَفاً
وَ كِرَامتاً وَ مَزِيداً...

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ